

به نام ایزد یکتا

افق‌های گزارشگری مالی - قسمت دوم

دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران و عدم قطعیت اندازه‌گیری

برگردان به فارسی:

مرتضی اسدی غلامرضا زارعی مینا فرنود احمدی

مقدمه

گزارش حاضر دومین گزارش از مجموعه گزارش‌های *افق‌های گزارشگری مالی* است، که بر شناسایی فرصت‌ها برای روشن شدن دامنه گزارشگری مالی متمرکز شده است و از مباحث جاری در مورد مربوط بودن گزارش‌های مالی برای مقاصد عمومی به شکل فعلی، سرچشمه گرفته و شامل مواردی نظیر محتوای درونی، و پاسخ به این سوال است که آیا این گزارش‌ها می‌توانند نیازهای اطلاعاتی در حال تحول سرمایه‌گذاران را در محیط پیچیده کسب و کار تامین کنند یا خیر (داورن و همکاران ۲۰۲۲).

گزارشگری مالی چگونه می‌تواند نیازهای اطلاعاتی در حال تغییر سرمایه‌گذاران را تامین کند، با توجه به اینکه نیازهای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی در دنیای کسب و کار به شدت دستخوش تحول است، گزارش حاضر راهنمایی برای کمک به نحوه گزارشگری مالی با مقاصد عمومی و آینده‌نگر ارائه کرده است و در واقع به تبیین این موضوع می‌پردازد که چگونه گزارشگری مالی در عصر حاضر می‌تواند نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران را تامین نماید.

بنابراین هدف این مطالعه الزامات توسعه دامنه گزارشگری مالی نیست، بلکه با کمک به تعیین مجدد جایگاه عملکرد گزارشگری مالی، می‌خواهیم اطمینان خاطر کسب نماییم که همچنان گزارشگری مالی ابزار ارتباطی موثری است که آنچه را که لازم باشد در مورد عملکرد یک واحد تجاری در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد.

بر اساس اولین گزارش این مجموعه (گزارش قسمت اول) که بر دیدگاه‌های تهیه‌کنندگان تمرکز داشت، در این گزارش به بررسی دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران می‌پردازیم. در این گزارش ما به طور خاص نقش عدم قطعیت اندازه‌گیری را در تعیین آنچه که مستلزم شناخت و اندازه‌گیری در صورت‌های مالی با مقاصد

عمومی توسط تهیه کننده است، را بررسی می کنیم. . مطابق هرم گزارشگری مالی که در قسمت اول، معرفی شد (داورن و همکاران ۲۰۲۲)، شناخت و اندازه گیری را حد اعلای گزارشگری مالی می دانیم و همانطور که در گزارش قبلی به آن اشاره شد در این مطالعه نیز تصدیق می کنیم که عدم قطعیت اندازه گیری نشان دهنده چالش هایی برای شناخت کامل و اندازه گیری صحیح است. باید توجه داشت که عدم قطعیت اندازه گیری، لزوما چالشی نیست که سیاست گذاران با ارائه رهنمود ها و استانداردهای صریح و شفاف در مورد روش های اندازه گیری بتوانند راهکارهایی ارائه کنند، بلکه لازم است در مورد مسائلی که دامنه و منابع این عدم قطعیت اندازه گیری را ایجاد می کنند، شفافیت بیشتری وجود داشته باشد؛ مثلا از طریق افشاهای مربوط در یادداشت های توضیحی می توان این کار را انجام داد. در این حالت استفاده کنندگان صورتهای مالی می توانند میزان عدم قطعیت اندازه گیری هر یک از اقلام گزارش شده را ارزیابی کرده و آن را در مدل های تصمیم گیری خود بکار گیرند. گزارشگری برای اتخاذ تصمیمات سودمند و تفسیر گزارش های مالی همواره نیازمند قضاوت حرفه ای است (داورن و همکاران ۲۰۲۲).

در نتیجه، در این گزارش به بررسی دیدگاه های سرمایه گذاران در مورد نقاط قوت و چالش های گزارشگری در مورد اقلامی که در محدوده گزارشگری مالی قرار دارند، اما اغلب به دلایل مختلف از جمله نگرانی در مورد عدم قطعیت اندازه گیری در حال حاضر طبق استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS) در گزارش های مالی شناسایی نمی شوند، می پردازیم. مطالعه حاضر مبتنی بر تحقیقات انجام شده توسط داورن و همکاران در سال های اخیر است (a۲۰۱۸ و b۲۰۱۹) که بر سودمندی تصمیمات در گزارشگری مالی با مقاصد عمومی در شرکتهای استرالیایی تمرکز دارد. مطالعات قبلی نشان می دهد که علی رغم انتقاد به گزارشگری مالی، سودمندی گزارشگری مالی در تصمیم گیریها به قوت خود باقی است.

پیرو موضوعات مطرح شده در گزارش قسمت اول، در این قسمت بر گزارشگری دارایی های نامشهود و مسائل پایداری تمرکز می کنیم که این دو موضوع جزو مواردی است که دارای عدم قطعیت بیشتری در اندازه گیری می باشند. هدف ما درک چالش های پیشبرد هرم گزارشگری به منظور شناخت و اندازه گیری در شرایط عدم اطمینان است. به ویژه از دیدگاه سرمایه گذاران به این سوال می پردازیم که: فرصت ها و چالش های توسعه شناخت و اندازه گیری در مواردی که استانداردهای فعلی عدم قطعیت اندازه گیری را به عنوان یک مشکل در نظر می گیرند، کدامند؟

هرم گزارشگری مالی: مرور کلی

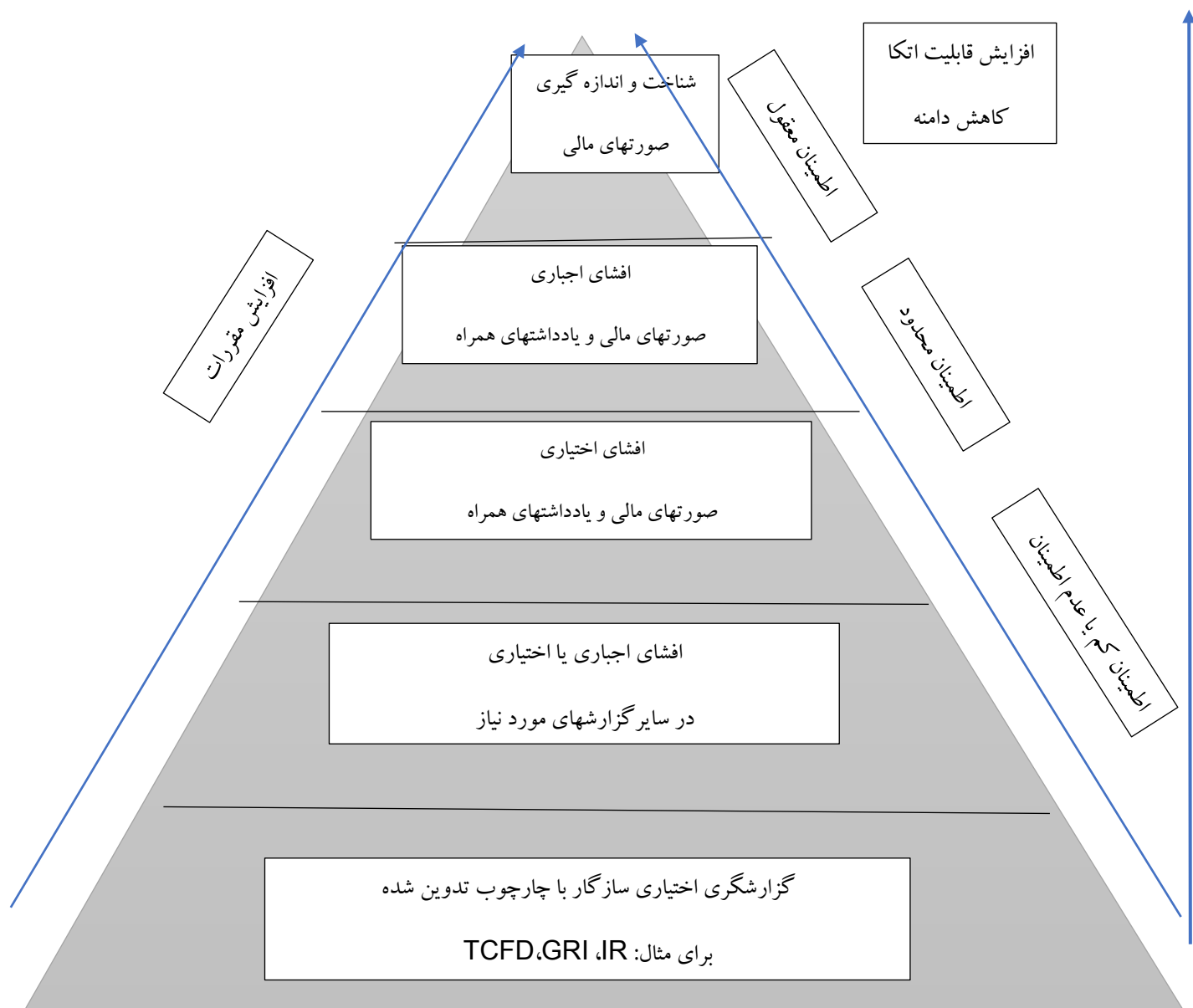
در گزارش قسمت اول هرم گزارشگری مالی به عنوان چارچوبی برای شناسایی کیفیت فزاینده اطلاعات گزارش شده، معرفی گردید که از افشای داوطلبانه به سمت شناخت و اندازه گیری مطابق با استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی حرکت می کند. راس هرم نشان دهنده «استاندارد طلایی» شناخت و اندازه گیری است، که مبتنی بر یافته های مطالعات پیشین عنوان می کند که شناخت و اندازه گیری منجر به ارائه داده های اساسی با کیفیت بالاتر می شود (داورن و همکاران، ۲۰۱۹b). این نتیجه ممکن است به افزایش توجه مدیریت و حسابرسان به اقلامی شود که نیازمند گزارش و بررسی بیشتری است.

استدلال ما این است که پایین آمدن از راس هرم، تا حدودی به دلیل چالش های ناشی از عدم قطعیت اندازه گیری است. عدم رعایت معیارهای شناخت در صورت های مالی با مقاصد عمومی، به دلیل عدم قطعیت در اندازه گیری پدیده های زیربنایی، یا نسبت دادن ارزش پولی به این پدیده ها، احتمالاً منجر به افشا در یادداشت های همراه صورت های مالی با مقاصد عمومی می شود.

شکل ۱. هرم گزارشگری مالی

(برگرفته از مطالعه داورن و همکاران، ۲۰۲۲)

همانطور که در گزارش قسمت اول بحث شد، در صورت ثابت بودن سایر شرایط، گزارش قابل اتکاتر از یک قلم منجر به گزارشی مفید و پرمحتوا از آن قلم خواهد شد. به عبارت دیگر، هر چه گزارش مرتبط با یک قلم به راس هرم نزدیک می شود، گزارش حاصل قابلیت اتکای بیشتری داشته و پرمحتواتر خواهد بود. با این حال، حرکت به سمت بالای هرم موجب محدودیت در دامنه شده و بنابراین، نیروی متقابلی را ایجاد می کند که ممکن است محتوای کلی گزارشگری مالی را کاهش دهد. این امر تنشی بین تمایل برای گزارشگری اقلام به سمت راس هرم ایجاد می کند زیرا از یک سو این نحوه گزارشگری موجب افزایش سودمندی و محتوای گزارش ها می شود ولی از سویی دیگر به دلیل حذف اقلام مربوط، موجب کاهش سودمندی و محتوای کلی گزارشگری مالی می شود. بنابراین در حوزه گزارشگری دارایی های نامشهود و گزارشگری پایداری، هدف این گزارش بررسی پتانسیل لازم برای گزارش اقلامی است که دارای عدم قطعیت بالایی در اندازه گیری، به سمت راس هرم گزارشگری مالی می باشند.



افشاهای اختیاری از طریق سایر روش ها

(برگرفته از مطالعه داورن و همکاران، ۲۰۲۲)

روش تحقیق و داده ها

برای بررسی سوال کلیدی تحقیق، مصاحبه های نیمه ساختاریافته ای با سرمایه گذاران مختلف انجام دادیم. سوالات مصاحبه طیف گسترده ای از موضوعات را در خصوص درک نقش صورت های مالی با مقاصد عمومی حسابرسی شده در تصمیمات سرمایه گذاران از طریق مسائلی نظیر قابلیت اتکا، آگاهی بخشی و اندازه گیری عدم قطعیت، در حوزه دارایی های نامشهود و گزارشگری پایداری را در بر می گیرد. مصاحبه شوندگان شامل سرمایه گذارانی با موقعیت ها / سوابق زیر می باشند:

- سرمایه گذاران خرد حرفه ای

- مدیران سرمایه گذاری در بخش خصوصی

- کارگذاری های مدیریت سرمایه گذاری

- صندوق های بزرگ مدیریت دارایی

- معامله گران الگوریتمی یا کمی با افق زمانی کوتاه مدت

تمام مصاحبه ها در نیمه اول سال ۲۰۲۳ از طریق Zoom، ضبط و به صورت حرفه ای رونویسی شد. از طریق مصاحبه ها بیش از ۴۰.۰۰۰ کلمه (۷۹ صفحه) برای کدگذاری و تجزیه و تحلیل ایجاد شد. به طور عمدی، انتخاب سرمایه گذاران برای مصاحبه متنوع، شامل سرمایه گذاران خرد و سرمایه گذاران حرفه ای انجام گردید. اگرچه اصطلاح "سرمایه گذار" به طور کلی غالباً هنگام ارجاع به استفاده کنندگان صورت های مالی و اطلاعات مالی استفاده می شود، مشخصات و نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران خرد و حرفه ای از نظر هدف و افق های زمانی سرمایه گذاری متفاوت است - یعنی "یک قالب و چارچوب برای تمام سرمایه گذاران مناسب نیست" (چنهال و جوجاو، ۱۹۷۷). به عنوان بخشی از گزارش فعلی، این تفاوت - ها برجسته شده و بخشی از روایت ها دیدگاه سرمایه گذاران را تشکیل می دهند.

در بخش های بعدی، تحلیل خود را مبتنی بر دو حوزه موضوعی کلیدی سازماندهی می کنیم؛ (۱) گزارشگری مالی مرتبط با پایداری (و به ویژه ریسک مرتبط با شرایط اقلیمی و آب و هوا)؛ و (۲) دارایی - های نامشهود. دو دلیل اصلی برای تمرکز بر این حوزه ها وجود دارد؛ (۱) هر کدام از این حوزه ها در حال حاضر در دستور کار تدوین کنندگان استانداردها، هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی قرار دارند؛ و (۲) هر دو موضوع فوق چالش هایی برای مرزهای گزارشگری مالی، همانطور که بیان شده است، ایجاد کرده اند (بارث، ۲۰۲۲)، که این چالش ها از عدم قطعیت اندازه گیری ذاتی آن ها ناشی می شود.

همچنین به هم پیوستگی موضوعات فوق بعلاوه اشاره صریح محققان، فعالان و تدوین کنندگان استاندارد، از جمله گروه مشاوره مالی اروپا (EFRAG) به این موضوع که لازم است مرزهای بین گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری و ارتباط متقابل این دو بعد، مورد توجه قرار گیرد (EFRAG، ۲۰۲۳).

ما یافته های خود را در قالب دیدگاه های مختلف برای اطلاع رسانی رهنمودهای خط مشی آتی برای ارائه گزارش هایی که این حوزه های موضوعی را در بر می گیرد و بطور بالقوه امکان اندازه گیری بیشتر عدم قطعیت را به سمت راس هرم فراهم می کند، با هم ادغام می کنیم.

دیدگاه های سرمایه گذاران: دارایی های نامشهود

هدف اصلی از مصاحبه ها بررسی دیدگاه سرمایه گذاران در شناخت و اندازه گیری بود، که شامل جستجوی دیدگاه ها در مورد موضوعات مفهومی یا سایر موارد، از دیدگاه مصاحبه شوندگان، و بحث در مورد شناخت و اندازه گیری دارایی های نامشهود بود. به طور کلی، سرمایه گذاران دیدگاه های مختلفی را در مورد این موضوع و مطلوبیت ارائه اطلاعات در مورد دارایی های نامشهود به سرمایه گذاران، ارائه کرده اند. بحث محوری در مورد نحوه ارائه اطلاعات به سرمایه گذاران در مورد دارایی های نامشهود این است که بهتر است ارائه اطلاعات در قالب شناخت و اندازه گیری یا افشای اطلاعات در یادداشت های همراه صورت های مالی باشد. این موضوع به ویژه در مورد دارایی های نامشهودی که در داخل واحد تجاری ایجاد شده اند، صادق است که (جز استثنای محدود، مانند هزینه های توسعه) عموماً در صورت وضعیت مالی یک واحد تجاری شناسایی نمی شوند، زیرا هزینه آن ها بطور قابل اتکایی قابل اندازه گیری نبوده و حاصل معامله و مبادله ای نمی باشند. بطور خاص، بند ۵۱ استاندارد ۱۳۸ *دارایی های نامشهود* هیات تدوین استانداردهای حسابداری استرالیا (AASB ۱۳۸) عنوان می کند که:

گاهی اوقات ارزیابی این که آیا دارایی نامشهود ایجاد شده در واحد تجاری حائز شرایط شناخت است، به دلایل زیر بسیار دشوار است:

(الف) دشواری تعیین وجود و زمان ایجاد یک دارایی قابل شناسایی که منافع اقتصادی آتی مورد انتظار ایجاد خواهد کرد؛ و

(ب) دشواری تعیین بهای تمام شده دارایی به طور قابل اتکا. در برخی موارد، نمی توان مخارج ایجاد یک دارایی نامشهود در داخل واحد تجاری را از مخارج نگهداری یا ارتقای سرقفلی ایجاد شده در داخل واحد تجاری یا مخارج اداره عملیات روزمره واحد تجاری، متمایز کرد.

ذکر این نکته ضروری است که چارچوب مفهومی گزارشگری مالی به اندازه گیری عدم قطعیت پرداخته و اذعان می دارد که:

استفاده از برآوردهای معقول، بخشی ضروری در تهیه اطلاعات مالی است و این گونه برآوردها سودمندی اطلاعات را کاهش نمی دهد، بشرطی که برآوردها به صورت واضح و دقیق انجام شوند. حتی سطح بالایی از عدم قطعیت اندازه گیری لزوما مانع چنین برآوردی از ارائه اطلاعات سودمند نمی شود (بند ۵.۱۹).[□] با وجود این، به منظور مواجهه با عدم قطعیتی که در چارچوب مفهومی بیان شده است، استانداردهایی مانند AASB ۱۳۸[□] در رابطه با شناسایی دارایی های نامشهود ایجاد شده در داخل واحد تجاری و نیز رویه های افشا، به دلیل عدم افشای داوطلبانه دارایی های نامشهود شناسایی نشده، مستقیما و صراحتا مواردی را ذکر نکرده اند (داورن و همکاران ۲۰۲۱).

چالش های شناخت و اندازه گیری گسترده تر دارایی های نامشهود

داده های مصاحبه چندین چالش مرتبط با شناخت و اندازه گیری دارایی های نامشهود را فراتر از الزامات فعلی ارائه می کند (به عنوان مثال، دارایی های نامشهود تحصیل شده برون سازمانی و برخی دارایی های نامشهود توسعه ای درون سازمانی).

این چالش ها را می توان به شرح زیر مشخص کرد:

(الف) اولین چالش مربوط به ارزیابی گسترده تر دارایی های نامشهود فراتر از صورتهای مالی است: ... اعداد و ارقام مربوط به دارایی های نامشهود در صورت های مالی ... اگر واقعا بخواهید چشم اندازه های یک کسب و کار قدیمی را درک کنید، [۱] عملا صورت وضعیت مالی (ترازنامه) را نگاه نمی کنید و شما به ارزیابی گسترده تری نیاز دارید، و لازم است تا با رقبا و شرکت گفتگو کنید و در نهایت به یک برآورد نسبی دست یابید. (سرمایه گذار ۱)

(ب) چالش های ایجاد شده با توجه به ماهیت واحد تجاری:

[□] معادل بند ۴۱-۴ پیوست استانداردهای حسابداری ایران مفاهیم نظری گزارشگری مالی

[□] استاندارد حسابداری ۱۷/دارییهای نامشهود ایران

برای ما سرمایه گذاران کسب و کارهای اندکی وجود دارند که ارزش دفتری دارایی های نامشهود آن ها موجب اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری متفاوتی می شود (سرمایه گذار ۳)

(ج) ماهیت اندازه گیری به جای شناخت و اندازه گیری، می تواند به افشا کمک کند:

... وقتی برای این چیزها ارزش قائل هستید، این ... یک مهارت کمی نیست بلکه یک ادراک کیفی است . بنابراین، من علاقه مند به یادداشت های همراه در مورد این نوع دارایی ها هستم. که احتمالا در صورت وضعیت مالی (ترازنامه) اشاره ای با آن ها نشده است، هر چند ... (سرمایه گذار ۴)

(د) هزینه های اختصاصی گزارش اطلاعات حساس تجاری:

آنها می خواهند سرمایه گذاران را تشویق به سرمایه گذاری کنند، اما نمی خواهند جزئیات دقیق مربوط به فرصت ها و کسب و کارشان را در اختیار سرمایه گذاران قرار دهند. ممکن است این کسب و کارها، حق امتیازی پنهان و افشا نشده، و یا کارهای دیگری در حال انجام، داشته باشند.

ممکن است دارو و یا چیزهایی از این قبیل باشد، با این که من در مورد این کسب و کارها چیز زیادی نمی دانم ولی فرض من این است که زمانی که کسب و کارها اقدام به تولید محصولات و خدمات جدیدی می کنند، تمایل ندارند افشا کنند... (سرمایه گذار ۹)

استدلال ها و دیدگاه هایی برای گزارشگری

بسیاری از این چالش های مرتبط با شناخت و اندازه گیری گسترده تر دارایی های نامشهود را همانطور که در زیر نشان داده شده است، می توان به سهولت رد کرد:

(الف) صورتهای مالی مکمل سایر منابع اطلاعاتی است. شناخت و اندازه گیری گسترده تر دارایی های نامشهود، نقطه مقایسه ای برای برآوردهای نسبی سرمایه گذاران فراهم می آورد، که هم موجب ارزیابی دقیقتر دارایی های نامشهود (یعنی نقش تاییدی)، و هم موجب ارزیابی قابلیت اتکای گزارشگری مدیریت (برای مثال: نقش اعتباری) می شود:

لازم است اطمینان داده شود که چه میزان ارزش و اعتبار برای صورت های مالی قائل هستید. (سرمایه گذار ۲)

دیدگاه

نیاز به نقش مکمل و دوگانه شناخت و اندازه گیری های گسترده تر به عنوان تایید و بررسی قابلیت اتکای ارزش گذاری ها وجود دارد.

(ب) تفاوت در مربوط بودن دارایی‌های نامشهود برای واحدهای تجاری مختلف، دلیلی بر عدم شناخت و اندازه‌گیری گسترده‌تر آنها نیست، بلکه دلیلی بر لزوم وجود یک استاندارد با دامنه مناسب است. همانطور که یکی از سرمایه‌گذاران اشاره کرد:

من می‌توانم به طور بالقوه برخی از پیشرفت‌های کسب و کار را تصور کنم که در قالب تحقیق و توسعه ممکن است گزارش شود یا در مورد شرکت‌های داروسازی ممکن است موردی در مرحله تحقیق و مطالعه آنها تاثیر گذار باشد و مواردی نظیر آن... که احتمال دارد این موارد بر وضعیت مالی موسسات تاثیر عمده‌ای داشته باشد... ممکن است برخی از نام‌های تجاری نیز وجود داشته باشد، که می‌تواند در آنجا بیان شود. ولی من عمدتاً وقتی صحبت از دارایی‌های نامشهود می‌شود به برند و نام تجاری می‌اندیشم تا به موارد مرتبط با صنایع داروسازی، من فکر می‌کنم نتایج برند بسیار مشهودتر از معیارهای مالی است که اغلب توسط موسسات ارائه می‌شوند و به هر حال مردم ارزش بیشتری برای آنها قائل می‌شوند. (سرمایه گذار ۳)

دیدگاه

یک عامل تعیین‌کننده در مبحث شناخت و اندازه‌گیری، میزان ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاران برای مواردی (آیتم‌هایی) است که در حال حاضر شناسایی نشده‌اند - چه از طریق برآوردهای نسبی یا یا معیارهای مالی مشهود موجود.

سوال اصلی عدم تقارن اطلاعات است: این که مدیریت واحد تجاری تا چه حدی به اطلاعات منحصر به فرد دسترسی دارد که این اطلاعات برای ارزش‌گذاری ارقام مهم می‌تواند مهم باشد. (ج) با توجه به چالش‌های ماهوی و اندازه‌گیری که موجب ایجاد تغییراتی در هرم گزارشگری شده و به جای شناخت و اندازه‌گیری به افشا می‌پردازد، دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران متنوع است؛ در حالی که سرمایه‌گذار (۴) بر افشای اطلاعات در یادداشت‌های همراه تمرکز دارد، سرمایه‌گذار (۱) نظر مخالفی داشته و عنوان می‌کند:

فکر نمی‌کنم این دلیلی برای کاهش ارائه یا ارائه مجدد ارقام باشد. (سرمایه‌گذار ۱)

مبنای اساسی برای این دیدگاه‌های متنوع یک سوال تجربی است، اما باید توجه داشت که سرمایه‌گذار (۴) به طور کلی دارای دیدگاهی سنتی‌تر، با دامنه محدود نسبت به گزارشگری مالی است و سرمایه‌گذار (۱) بیشتر بر ماهیت گزارشگری مالی توجه دارد و چیزی فراتر از ارقام را در نظر می‌گیرد به طور کلی:

[گزارشگری مالی]... یک نقطه دسترسی به اطلاعات است که قوانینی در اطراف خود دارد، به طوری که شما می فهمید که در مقادیر مختلف گزارش شده چه ماهیتی موجود است. (سرمایه گذار ۱)

در حالی که دیدگاه‌ها و بحث‌های متفاوتی پیرامون این موضوع وجود دارد، یک سرمایه گذار که هر دو دیدگاه رقیب را در شناخت و اندازه گیری دارایی‌های نامشهود در نظر دارد عنوان می کند:

من فکر می کنم دانستن این موارد خوب است، اما پس از آن باید تمام مفروضات ممکن را به نحوی تنظیم کرد که مردم بتوانند با در نظر گرفتن آن‌ها حرکت کنند، من احساس می کنم این حداقل است، یا آن بیشتر از این است. (سرمایه گذار ۲)

شفافیت پیرامون مفروضات موضوعی رایج بود، و نقش مهم اعتباربخشی نیز توسط سایر سرمایه گذاران مورد تاکید قرار گرفته و برجسته سازی شده است:

من خواهان فرضیات هستم، من یادداشت‌هایی می خواهم که حالت ماهیتی (ذهنی) داشته باشد و اگر یک نهاد بیرونی که اطلاعات را تایید کرده است... حسابرس شما یا شخص برون سازمانی دیگر. (سرمایه گذار ۹)

دیدگاه

عدم قطعیت و ذهنی بودن در شناخت و اندازه گیری را می توان از طریق اعتباربخشی و شفافیت مناسب مفروضات و روش تعیین ارزش مورد خطاب قرار داد. شفافیت برخلاف برخی از موارد فعلی، باید معنادار باشد. مسلماً فرآیند اعتباربخشی نیازمند در نظر داشتن این مورد است که آیا شفافیت کافی است تا امکان تفسیر معنادار عدم قطعیت اندازه گیری را فراهم کند.

(د) موضوع هزینه های اختصاصی به عنوان یک مشکل مطرح نمی شود، زمانی که اطلاعات محیطی تجمیعی و جامعی در اختیار باشد:

در واقع من به دلایل مختلفی فکر نمی کنم که این یک ریسک بزرگ است ... حتی اگر بخواهیم افشای مرتبط با دارایی‌های نامشهود را توسعه دهیم، روشی که کسب و کارها به تجمیع این اطلاعات می پردازند به شدت موجب کاهش دامنه فعالیت می شود تا جایی که مزیت رقابتی کسب و کار را به مخاطره می اندازد.

من فکر می کنم در حال حاضر اطلاعات زیادی در موارد اساسی وجود دارد، به طوری که افشای رقم کل ارزش، چه بهای تمام شده باشد چه ارزش منصفانه، احتمالاً تفاوت زیادی در محیط رقابتی ایجاد نمی کند (سرمایه گذار ۳)

دیدگاه

احتمالاً به هزینه های اختصاصی در مقایسه با شناخت و اندازه گیری یا حتی افشاء وزن زیادی داده می شود، در اینجا نکته کلیدی تعیین سطح مناسبی از تجميع است که اطلاعات معناداری را به سرمایه گذاران بدون تحمیل هزینه های اختصاصی مخابره کند.

پیامدها و مسائل مربوط به سیاستگذاری

در حالی که توسعه گزارشگری دارایی های نامشهود از دیدگاه سرمایه گذاران جای بحث دارد، با این حال روشن است که می توان بسیاری از این چالش ها را رفع کرد. با تعریف دامنه مناسب و ارائه استاندارد که الزام به توسعه شناخت دارایی های نامشهود کند، می توان مربوط بودن صورت های مالی با مقاصد عمومی را برای سرمایه گذاران بهبود بخشید.

دامنه مناسب باید چالش ها و استدلال های فوق را مدنظر قرار داده و از طریق عدم تقارن اطلاعاتی، مربوط بودن صورت های مالی را افزایش داده، از طریق شفافیت در ارزشگذاری حالت ذهنی را مدیریت کرده و هزینه های اختصاصی را بوسیله الزام گزارشگری در سطح بالایی از تجميع اطلاعات ضمن حفظ آگاهی دهندگی، مدیریت نماید.

یک نکته مهم در اینجا این است که همه سرمایه گذاران از نظر نیازهای اطلاعاتی و توانایی تفسیر گزارش های مالی یکسان نیستند. همانطور که یکی از سرمایه گذاران اظهار داشت:

من فکر می کنم در بازار استرالیا، که در آن سرمایه گذار خرد به طور معقولی برجسته است ... افزودن یک دارایی نامشهود، به طور بالقوه می تواند سرمایه گذاران را گمراه کند، و احتمالاً مشکل ساز خواهد بود. می توان نوعی تاخیر در کاهش ارزش برند یا چیز دیگری را تصور کرد که باعث می شود برخی افراد به این فکر کنند که در کسب و کار ارزشی وجود دارد در حالی که ارزش برند به سرعت کاهش می یابد. (سرمایه گذار ۳)

با این وجود، سرمایه گذاران خرد خودشان در توسعه شناخت دارایی های نامشهود، ارزشی را می بینند، بطوری که یک سرمایه گذار اشاره می کند:

فکر می کنم این کار تنها کمیت ایجاد می کند، اگر من در نظر داشته باشم در دو کسب و کار مشابه سرمایه گذاری کنم، این چیزی است که می توان آن را بعداً نیز اندازه گیری کرد. به این ترتیب، من می توانم

مقایسه مستقیمی انجام داده و تصمیم بگیرم که در شرکت "الف" سرمایه گذاری کنم یا در شرکت "ب"، در این حالت مقایسه خیلی ساده تر است، مانند استفاده از یک معیار، یا درآمد هر سهم. (سرمایه گذار ۶) به طور خلاصه، بیانیه اخیر هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) در مورد مرور جامع حسابداری دارایی های نامشهود بسیار مورد نیاز بود (IASB، ۲۰۲۴). شواهد بالا نشان می دهد که مرور جامع باید به طور اساسی توسعه شناخت ترازنامه (صورت وضعیت مالی) را مورد توجه قرار داده و نیز به چالش های مرتبط با اندازه گیری دارایی های نامشهود بپردازد.

دیدگاه سرمایه گذاران: گزارشگری مالی مرتبط با پایداری

از زمان تأسیس هیئت استانداردهای بین المللی پایداری (ISSB) در نوامبر ۲۰۲۱، تحولات بین المللی در حوزه پایداری سرعت گرفته است. هیئت استانداردهای بین المللی پایداری وظیفه ایجاد مبنایی جهانی برای گزارشگری پایداری دارد، که در ژوئن ۲۰۲۳ همراه با انتشار IFRS S۱ الزامات عمومی برای افشای اطلاعات مالی مرتبط با پایداری (S۱) و

IFRS S۲ افشاهای مرتبط با شرایط اقلیمی (آب و هوا) (S۲) ارائه شد. در دسامبر ۲۰۲۲، خزانه داری فدرال استرالیا نیز از این روند پیروی و پیشنهاد مشاوره ای را منتشر کرد که در آن گزارشگری شرایط اقلیمی (آب و هوا) برای نهادهای استرالیایی اجباری شد و طی سه سال مرحله به مرحله اجرا می شود. در زمان نوشتن، پیشنهاد فعلی این است که اجرای مرحله به مرحله برای واحدهای گروه اول برای گزارش های سالانه از ۱ ژانویه ۲۰۲۵ یا پس از آن آغاز خواهد شد، برای

گروه دوم از ۱ ژوئیه ۲۰۲۶ و واحدهای گروه سوم از ۱ ژوئیه ۲۰۲۷ لازم الاجراست.

وزارت خزانه داری فدرال استرالیا در مشاوره خود در ژوئن ۲۰۲۳ تایید کرده است که:

دولت متعهد شده است که ... برای استرالیایی ها و سرمایه گذاران شفافیت و پاسخگویی بیشتری را در مورد برنامه های اقلیمی (آب و هوا)، ریسک های مالی و فرصت ها فراهم کند.

به عنوان بخشی از این تعهد، دولت الزامات گزارشگری استاندارد و مطابق با موارد بین المللی را برای کسب و کار ها معرفی خواهد کرد تا افشا کنندگان اطلاعات، راهبری شرکتی، استراتژی، مدیریت ریسک، اهداف و معیارها - از جمله گازهای گلخانه ای را مدنظر قرار دهند.

همزمان هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) پروژه ای را به دستورکاری خود در مارس ۲۰۲۳ در مورد ریسکهای اقلیمی (آب و هوایی) در صورت های مالی، افزود. بر این اساس، نقش گزارش

پایداری در خط مقدم بسیاری از تصمیمات سرمایه گذاران قرار دارد. طبق گزارش قسمت (۱)، ما بر ریسکهای اقلیمی (آب و هوایی) طبق نظر هیئت استانداردهای بین المللی پایداری (ISSB)، و رویکرد اقلیمی نخست وزارت خزانه داری فدرال استرالیا، و تحولات اخیر پروژه IASB تمرکز می کنیم. ما بر جنبه های ریسکهای اقلیمی گزارشگری مالی تمرکز می کنیم، از آن جایی که ارتباط بین گزارش های مالی و گزارش های پایداری سوالی کلی است.

استاندارد افشای پایداری ۱ قبلاً در گزارش های پایداری عنوان کرده است که، واحدهای تجاری باید به نحوی افشاگری کنند تا استفاده کنندگان صورت های مالی بتوانند ارتباط بین ریسک و فرصت های مرتبط با پایداری را با اطلاعات گزارش شده در صورت های مالی درک کنند (بارکو و فابر، ۲۰۲۳؛ ISSB، ۲۰۲۳a، پاراگراف ۲۱). پس چگونه باید گزارش های مالی برای اتصال به گزارش های پایداری تلاش کنند؟

چالش های گزارشگری مالی در رابطه با ریسک اقلیمی (آب و هوایی)

در بررسی چگونگی انعکاس ریسکهای اقلیمی در گزارشگری مالی، رویکردهای متعددی را با سرمایه گذاران مورد بحث قرار دادیم، از افشای کیفی تا افشای کمی، و حتی در حالت افراطی شناخت و اندازه گیری ذخیره یا بدهی نامشهود ریسک های اقلیمی در صورت های مالی را شامل می شد. مصاحبه شوندگان ما چالش های متعددی را برای گزارش ریسکهای اقلیمی در گزارش های مالی و صورت های مالی مطرح کردند. در ادامه به تفصیل به این چالش ها می پردازیم:

(الف) گزارشگری مالی درباره ریسک اقلیمی نوعی ابهام آفرینی می کند و به اندازه ای تحت کنترل مدیریت نیست که بتوان آن را مرتبط و بااهمیت تلقی کرد:

چرا من لزوماً نمی خواهم این موارد را در صورت مالی در نظر بگیرم، چون جنجال برانگیز خواهد بود زیرا چه چیز این موارد توسط مدیریت قابل کنترل است. فکر می کنم میزان توانایی مدیریت برای اجتناب از برخی از این هزینه ها نسبتاً پایین است، و حدس می زنم در بسیاری از کسب و کارها این میزان نسبتاً پایین باشد. علاوه بر این، عوامل خارجی زیادی وجود دارد که بر این ریسکها تأثیر می گذارند.

این موضوع می تواند باعث نوعی ناهماهنگی بین مسئولیت پذیری مدیریت و آنچه در صورت های مالی می بینیم شود، به ویژه در مورد اینکه این موضوع چطور وارد صورت سود و زیان یا سود جامع می شود.

من معتقد نیستم که صورت‌های مالی باید به یک مرکز جامع تبدیل شوند که هر نوع برآورد ممکن از هر چیزی را در خود جای دهند..(سرمایه گذار ۳)

به همین ترتیب، سرمایه گذاران سوال کرده اند که آیا کمی نمودن ریسک‌های اقلیمی به طور معناداری ممکن است:

"چطور می‌توان آن را به دقت در حساب‌ها منظور کرد؟ ... ریسک آب و هوایی پیچیده است، چون تقریباً غیرممکن است بتوان آن را کمی‌سازی کرد، مگر در عملیات واضحی مثل سوزاندن سوخت‌های فسیلی ."

(سرمایه گذار ۸)

(ب) سرمایه گذارانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند همچنین نگرانی های خود را در مورد قابلیت مقایسه گزارش ها در حوزه اقلیمی (آب و هوایی) مطرح کردند:

بنابراین، برای مثال، من فکر می‌کنم که {شرکت} در گزارش های سالانه خود، آنها کاهش انتشار کربن را به صورت سال به سال فاش کرده بودند. اما من نمی‌فهمم این کاهش از دیدگاه استرالیا و صنعت چه تأثیری دارد. آیا آنها پیشرو در بازار هستند یا هنوز از دیگران عقب هستند. ... (سرمایه گذار ۶)

(ج) گزارش های مرتبط به شرایط اقلیمی (آب و هوایی) می تواند موجب ایجاد ابهام و سردرگمی در خصوص عملکرد مالی "واقعی" شود:

...

«این صرفاً نوعی ویتترین‌سازی است برای اقناع سرمایه‌گذاران نهادی بزرگ که خودشان تحت فشار فزاینده‌ای از سوی سرمایه‌گذاران خرد قرار دارند... اما در واقع، سرمایه‌گذاران خرد درک روشنی از نحوه تأثیر این اقدامات ندارند. این بیشتر واکنشی به روندهای رایج بازار است تا یک اقدام دارای محتوای واقعی.» (سرمایه‌گذار ۵)

من گاهی تحت تأثیر برخی از نمودارها و ارائه‌های گرافیکی قرار می‌گیرم؛ در حالی که این عناصر می‌توانند باعث ایجاد اختلال اطلاعاتی شده و تمرکز را از محتوای اصلی گزارش مالی منحرف کنند .

پاسخ ها و دیدگاه ها

پیش زمینه دیدگاه های مختلف سرمایه گذاران ما نشان می دهد که بخش عمده ای از بحث ها ناشی از نوپایی نسبی گزارشگری در این حوزه است، چرا که سرمایه گذاران عمدتاً تنها تجربه ای از گزارشگری داوطلبانه و غیراستاندارد داشته اند. بنابراین، ما دریافتیم که سرمایه گذاران ما در تصور شکل آینده گزارشگری مالی در این زمینه با دشواری مواجه هستند. این در تضاد آشکاری با تجربه آنها در گزارشگری درباره دارایی های نامشهود است. با این حال، پاسخ ها به چالش های شناسایی شده در گزارشگری پایداری (چه در داخل گزارش های مالی و چه به صورت جداگانه) برخی بینش ها را به این موضوع ارائه می دهند:

الف) ممکن است مسائل مربوط به شایعات[□] موجود و کنترل پذیری درست باشند، اما می توان گفت که این موضوع در بسیاری از مواردی که هم اکنون در گزارشگری مالی عمومی گنجانده ایم نیز صدق می کند. هم اکنون شاهد این هستیم که سرمایه گذاران خواهان اطلاعات مرتبط با تغییرات اقلیمی هستند، حتی اگر این اطلاعات شامل معیارهای پرابهام یا برآوردهای «نامشخص» باشد

من تمایلی ندارم هر دو نوع اطلاعات کمی و کیفی را داشته باشم، بلکه باید زمینه و توضیحاتی درباره اعداد ارائه دهم. فکر می کنم اگر بدانید مفروضات چیستند، این می تواند اطمینان بخش باشد حتی اگر عددی مبهم باشد. (سرمایه گذار ۶)

در حالی که مشخص شد که دریافت اطلاعات کمی نادرست ممکن است ریسک طرح دعوی حقوقی را در پی داشته باشد، این امر ارزش کمی سازی اطلاعات را رد نمی کند:

... اگر به طور وضوح هزینه های دعاوی حقوقی در نظر گرفته شده باشد، قطعاً بر سود نهایی تاثیر خواهد گذاشت. بنابراین بله، این موضوع قابل توجه است. اما فکر می کنم تمایل بیشتری دارم به این سمت که اطمینان بیشتری داشته باشم که آنها تلاش کرده اند ریسک های کلیدی کسب و کارشان را شناسایی کنند. و اگر مفروضات روشنی مطرح کرده باشند، و اگر موارد خاصی که خارج از روال بوده اند رخ داده باشد، فکر می کنم درک بیشتری نسبت به اثرات بعدی آن خواهم داشت. (سرمایه گذار ۶)

قابل توجه است که این سرمایه گذار به تحلیل سناریوهای اقلیمی در گزارش پایداری اشاره دارد — تمایل کمی برای کمی سازی ریسک اقلیمی به صورت عددی و مالی در صورت های مالی وجود داشت.

دیدگاه

دشواری در کمی سازی را می توان از طریق شفافیت مفروضات مورد خطاب قرار داد، اما در حال حاضر سرمایه گذاران ترجیح می دهند که اطلاعات مرتبط با ریسکها و فرصت های اقلیمی (آب و هوایی) به طور جداگانه در گزارش های پایداری و نه در صورت های مالی ارائه شوند. با این حال، شواهد نشان می دهد که ممکن است مواردی مانند کاهش ارزش دارایی ها وجود داشته باشد که از تجزیه و تحلیل سناریوهای اقلیمی (آب و هوایی) در گزارش های پایداری تغذیه می شوند تا اقلام جانبی در صورت های مالی. ارتباط - پذیری □ به وضوح یک حوزه ظریفی است که هنوز به خوبی درک نشده است.

ب) احتمالاً قابلیت مقایسه دلیل نیاز ما به استانداردها است، و سرمایه گذاران مشتاق دیدن تحولات و پیشرفت هایی در این زمینه بودند، به ویژه در مورد اطلاعات مرتبط با گزارش های پایداری:

... موضوع به توانایی مقایسه با هم تایان بازمی گردد. از دید یک مدیر سرمایه گذاری، نمره ESG یک شرکت معدنی در مقابل یک بانک برای من چندان مهم نیست؛ این داده نامربوط است و احتمالاً حتی در طول ده سال آینده نیز بی اهمیت باقی خواهد ماند. با این حال، من بیشتر به تفاوت های بین یک شرکت معدنی و شرکت معدنی دیگر علاقه مند خواهم بود، چون این اطلاعات برایم مفید خواهد بود. (سرمایه گذار ۸)

... اگر این استاندارد شده نباشد و شما نتوانید مقایسه انجام دهید. (سرمایه گذار ۸)

فکر می کنم هر جا که امکان کمی سازی وجود داشته باشد، ما دوست داریم یک رویه استاندارد برای آن ببینیم. اگر یک نهاد ناظر استاندارد داشته باشد که بگوید، مثلاً تأثیرات زیست محیطی قرار است بر اساس مقیاسی از یک تا هر عددی ارزیابی شود، جایی که یک یعنی عالی و هر عدد دیگر یعنی وضعیت بسیار بد، و این استاندارد به طور یکنواخت در همه جا اجرا شود، آن وقت این امر بسیار مفید خواهد بود. (سرمایه گذار ۵)

دیدگاه

در حالی که تمایل برای استانداردها برای ارتقای قابلیت مقایسه وجود دارد، لازم است احتیاط شود. خطر ایجاد انبوهی از معیارها وجود دارد (به عنوان مثال به معیارهای بین صنعتی و صنعت خاص در IFRS S۲ نگاه کنید)، که قابلیت مقایسه را به مشکلی چند بعدی و چالش برانگیز تبدیل می کند. برخی از معیارها مرتبط با صنعت خاصی است که همچنان قابلیت مقایسه را چالش برانگیز می کند (و تا

حدودی مشابه موضوعات مرتبط با صنعت خاص در گزارشگری مالی و معیارهایی که توسط اصول عمومی حسابداری پذیرفته نیست (به داورن و همکاران، ۲۰۱۹a, ۲۰۱۸b, مراجعه کنید).

همچنین نگرانی هایی در مورد کیفیت داده ها وجود دارد. گزارش هایی در مورد ریسک های اقلیمی (آب و هوایی) عمدتاً به داده های برون سازمانی متکی خواهند بود (به عنوان مثال، مرحله ۳ انتشار آلاینده های بالادستی در زنجیره تامین)، که در اعتباربخشی به کیفیت داده ممکن است دشوار باشد. همچنین شواهد قبلی به طور گسترده عنوان می دارد که افشای مرتبط با گزارشگری مالی، بر خلاف شناخت و اندازه گیری، مبتنی بر داده ها با کیفیتی پایین است (داورن و همکاران ۲۰۱۹b).

(ج) ظاهر سازی زیست محیطی (یا حساب آرای زیست محیطی) (Greenwashing) و آرایش ظاهری (window-dressing) در گزارش دهی پایداری، اگرچه نگرانی مشروع است، اما به دلیل نوپا بودن نسبی این حوزه گزارش دهی تشدید شده است. با توسعه استانداردها و دسترسی سرمایه گذاران به سابقه گزارش دهی شرکت ها درباره ریسک ها و فرصت های مرتبط با تغییرات اقلیمی، فرصت های پوشش سبز کمتر خواهد شد. با توجه به ذات آینده نگر این گزارش ها (و در نتیجه احتمال ارائه استراتژیک اطلاعات)، سرمایه گذاران علاقه مند بودند که بتوانند در طول زمان تحلیل های روند بلند مدت (longitudinal analysis) از سناریوهای اقلیمی گزارش شده انجام دهند

فکر می کنم استفاده از تحلیل سناریوها روشی مناسب است که با ارائه این فرضیات و با توجه به نمونه های متعددی که در گذشته در صورت های مالی از سناریوها استفاده شده، بتوان نوسانات و تغییرپذیری عوامل مؤثر بر نتایج را، مانند نوسانات ارزی و حتی سایر متغیرها، به خوبی نشان داد.

(سرمایه گذار ۲)

این سناریوها ممکن است به صورت های مالی مرتبط باشند، زیرا قضاوت های مربوط به کاهش ارزش را بیان می کنند:

بله، فکر می کنم یک یادداشت با فرضیات کلی خوب است. مثلاً روی ترازنامه اشاره شود و گفته شود «به یادداشت شماره ۳ مراجعه کنید». وقتی به یادداشت شماره ۳ مراجعه می کنید، نوشته شده که از سناریوی استاندارد تغییر اقلیم استفاده شده یا این فرضیات در نظر گرفته شده اند و محدوده تخمینی ما همین است. لازم نیست خیلی طولانی باشد، فقط چند درصد و بازه های حدودی و مواردی از این دست کافی است.

در مورد اینکه آیا باید ذخیره یا بدهی مربوط به ریسک اقلیمی شناسایی شود، اجماع نظر مخالف چنین گزارش‌دهی بود – مگر اینکه معیارهای شناخته شده شناسایی، از جمله اندازه‌گیری قابل اتکا، برآورده شود.

آیا بدهی اقلیمی به این معناست که خود کسب و کار در صورت تصویب قوانین مربوط، موظف به پرداخت این بدهی خواهد بود؟ یا اینکه نتیجه عملیات آن‌ها چنین تعهدی را ایجاد می‌کند که عمدتاً توسط نسل‌های آینده، دولت‌ها و دیگران پرداخت خواهد شد؟

به نظر من، این دو نتیجه برداشت‌ها و پیامدهای بسیار متفاوتی برای سرمایه‌گذار دارد. بنابراین آیا من مایل به مشاهده آن هستم؟ بله، اگر در چارچوبی باشد که هزینه‌ها واقعاً توسط شرکت‌ها متحمل شود، قطعاً خواهان دیدن آن هستم. در غیر این صورت، شاید بهتر باشد که در صورت‌های مالی به‌طور مستقیم نشان داده نشود، اما آیا باید در بخش‌های دیگر به صورت گسترده افشا شود؟ بسیار محتمل است.

دیدگاه

تحلیل سناریو به وضوح نقش کلیدی در اطلاع‌رسانی ریسک‌های اقلیمی پیش روی واحد تجاری به سرمایه‌گذاران دارد، اما استانداردهای گزارشگری شفاف، که بخشی از آن ممکن است شامل الزام به بیان شفاف مفروضات اساسی مورد استفاده باشد، برای کمک به کاهش ریسک سبزشویی[□] و ظاهرسازی[□] مورد نیاز است.

پیامدها و مسائل مربوط به سیاستگذاری و خط مشی

اجماع در میان سرمایه‌گذاران به روشنی نشان می‌دهد که ریسک‌های اقلیمی (آب و هوایی) هنوز آمادگی لازم برای رسیدن به راس هرم گزارشگری مالی – شناخت و اندازه‌گیری را ندارند. این یافته‌ها از تدوین استانداردهای جداگانه برای گزارشگری پایداری حمایت می‌کند و نیاز به ملاحظات دقیق ارتباط بین گزارشگری پایداری و گزارشگری مالی را برجسته می‌کند. تجزیه و تحلیل سناریوی

[□] Greenwashing یا "سبزشویی" به معنای این است که یک شرکت یا سازمان ادعا می‌کند که محصولات و خدماتش دوستدار محیط زیست است، در حالی که در واقع این ادعاها درست نیست و تنها برای فریب مصرف‌کنندگان و بهبود تصویر عمومی خود از محیط زیست استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، سبزشویی نوعی بازاریابی فریبدهنده است که در آن شرکت‌ها با ادعاهایی به ظاهر سبز، سعی می‌کنند به مصرف‌کنندگان القا کنند که محصولاتشان برای محیط زیست ایمن است، در حالی که فعالیت‌هایشان به محیط زیست آسیب می‌رساند.

[□] window-dressing

اقلیمی نقش کلیدی ایفا می کند، اما بررسی سایر موارد درباره نحوه برقراری بهترین ارتباط بین سناریوها، بدون اینکه سرمایه گذاران دچار سردرگمی یا ابهام، در مورد عملکرد مالی شرکت شوند، همچنان ادامه خواهد داشت. به عنوان مثال، حد آستانه یک سناریوی اقلیمی که منجر به کاهش ارزش دارایی ها در صورت وضعیت مالی (ترازنامه) شود، کدامند؟

اهمیت، مفهومی حیاتی است که اغلب به درستی درک نشده است (به عنوان مثال فریک، و همکاران ۲۰۲۳)، و با مفاهیم ما ارتباط دارد. ارزیابی اهمیت شامل ادغام اطلاعات کمی (به عنوان مثال پیامدهای مالی، و احتمال رویدادهای ریسک اقلیمی) و اطلاعات کیفی است.

سایر دیدگاه‌ها در مورد سرمایه گذاران وعدم قطعیت اندازه گیری

همانطور که قبلاً ذکر شد، ما به طور خاص به دنبال مصاحبه با سرمایه گذارانی بودیم که نمایانگر بخش وسیعی از بازار سرمایه گذار بودند. این وسعت ما را قادر می سازد تا بینشی جامع در مورد گزارشگری مالی از طریق مقایسه و تقابل دیدگاه های سرمایه گذاران مختلف به دست آوریم.

مثلاً در مصاحبه ها خیلی مشهود بود که همه سرمایه گذاران شبیه هم نیستند. سرمایه گذاران دیدگاه های مختلفی در این مورد دارند که آیا شناخت جامع اقلام موجود در صورت های مالی با مقاصد عمومی، برای تصمیم گیری مفیدتر هستند. همچنین سرمایه گذاران در صورت های مالی با مقاصد عمومی، نسبت به تاییدیه حسابرس در مورد عدم قطعیت اندازه گیری و ذهنی بودن، درجه حساسیت متفاوتی دارند. همچنین رویکرد آن ها در تفسیر اطلاعات مالی نیز نسبتاً متفاوت است بطوری که سرمایه گذاران خرد غیر ماهر در سرمایه گذاری منحصراً به تجزیه و تحلیل کمی اکتفا می کنند.

علاوه بر این، رویکرد یک سرمایه گذار در مواجهه با عدم قطعیت اندازه گیری بسیار جالب بود. این سرمایه گذار دارای افق زمانی طولانی مدت بود، که قصد نگهداری سهام را برای ۱۵-۱۰ سال داشت. برای مدیریت نگرانی های مرتبط با عدم قطعیت اندازه گیری، این سرمایه گذار، سرمایه گذاری های خود را زمان بندی کرد، به طوری که اطمینان حاصل کرد که عدم قطعیت اندازه گیری برای سرمایه گذاری هدف کم بود، یا تغییرپذیری بالقوه عمدتاً به نفع سرمایه گذار است. در اصل، استراتژی سرمایه گذاری آنها عدم قطعیت اندازه گیری را در زمان تصمیم گیری خرید در نظر گرفته است.

ارزش گزارشگری مالی برای سرمایه گذاران کاملاً مشهود بود، حتی برای سرمایه گذارانی که به طور انحصاری به تجزیه و تحلیل بازار متکی بودند و سرمایه گذارانی که از صورت های مالی واحد تجاری

در انجام تصمیمات سرمایه گذاری استفاده نکردند. به عنوان مثال، یکی از سرمایه گذاران رویکرد خود را در قالب تعقیب نوسانات کوتاه مدت و قیمت گذاری اشتباه در بازار با استفاده از تجزیه و تحلیل کمی عنوان کرد. (یعنی به نظر می رسد شکل پیچیده ای از تحلیل تکنیکال باشد). این سرمایه گذار در حالی که از گزارش های مالی استفاده نمی کند، می خواهد تا گزارش های مالی جامع را ببیند. منطق آنها این بود که در حالی گزارش خوب ممکن است نوسانات را کاهش دهد، سرمایه گذاران را افزایش می دهد و بنابراین فرصت های بیشتری برای معاملات، مبتنی بر رویکرد الگوریتمی ایجاد می کند.

نتیجه گیری: آینده گزارشگری مالی

ما موضع خود را مبنی بر ناکافی بودن افشای های داوطلبانه مجدداً تأیید می کنیم و حمایت خود را از حرکت به سمت گسترش شناخت و اندازه گیری (مثلاً برای دارایی های نامشهود) یا بیان بهتر ارتباط بین افشای های اجباری (مانند تحلیل سناریوهای اقلیمی در گزارش پایداری) و اقلام شناخته شده در صورت های مالی عمومی اعلام می کنیم.

قابل توجه است که پروژه دارایی های نامشهود هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری (IASB) و حرکت به سمت گزارشگری اجباری اقلیمی توسط سیاستگذاران، نشان می دهد که ما در مسیر درستی قرار داریم.

در کل، حرکت به سمت گزارشگری اجباری تحلیل سناریوهای اقلیمی برای برخی نهادها در استرالیا و توسعه و پیاده سازی استانداردهای گزارشگری پایداری در سطح بین المللی، قابل تحسین است، اما همچنان چالش هایی باقی است.

عدم قطعیت در اندازه گیری ممکن است فراگیر باشد، با این حال، وجود عدم قطعیت نباید مانعی برای گزارشگری باشد. به نظر می رسد تحمل بیشتر برای ذهنی بودن اندازه گیری موجه باشد - مشروط بر اینکه با افشای مفروضات اساسی و اطمینان معقول همراه باشد. هنوز در حال بحث است که چه زمانی چنین معیارهای نامطمئن اقلام حسابداری قرار است به بالای هرم منتقل شوند تا اطمینان حاصل شود که در صورت های مالی با مقاصد عمومی شناسایی می گردد یا افشای اجباری در یادداشت های توضیحی کافی باشد. پیچیدگی سرمایه گذاران (و در واقع تهیه کنندگان) باید در کنترل عدم قطعیت اندازه گیری در نظر

گرفته شود- درک این موضوع که همه سرمایه گذاران یکسان نیستند. بعید است که رویکرد یکسانی برای همه موفقیت آمیز باشد.

هنگامی که در نظر می گیریم که چگونه عدم قطعیت اندازه گیری موجب ایجاد چالش هایی در شناخت جامع می شود، چندین مضمون پدیدار می شوند. آینده همیشه نامشخص است، و در حالی که تکنیک های اندازه گیری در حال تکامل هستند اما ممکن است توسط سرمایه گذاران به خوبی درک نشوند - منجر به عدم اعتماد می شود. عدم شفافیت کافی در مورد مفروضات بنیادی اندازه گیری و توضیحات نامعلوم در مورد تکنیک های اندازه گیری، از قابلیت مقایسه و سودمندی جلوگیری می کند. تحقیقات بیشتر برای درک چگونگی تفسیر سرمایه گذاران در مورد افشای عدم قطعیت و ذهنی بودن نیاز است انجام شود تا موجب اطلاع رسانی برای سیاست گذاری دقیق شود. مسائلی که در مورد گزارشگری داده های ورودی ارزش منصفانه سطح ۳ مطرح شده بود، با برخی از واحدهای تجاری که چنین محدوده وسیعی را ارائه می دهند فاقد تفسیر معنادار است.

سیاست گذاران چگونه باید عمل کنند؟ در حالی که سیاست گذاران در مسیر درستی حرکت می کنند، چندین موضوع نیاز به بررسی عمیق تر دارد. برای دارایی های نامشهود، سیاست گذاران می توانند شناخت و اندازه گیری مجزایی را در نظر بگیرند. اهمیت نیز یکی از ملاحظات کلیدی است که با وجود قدمت آن، به خوبی درک نشده یا به کار گرفته نشده است. به ویژه با حرکت به سمت گزارشگری پایداری این موضوع مشهود می شود، جایی که ابعاد جدیدی از اهمیت مورد بحث قرار گرفته است. به هم مرتبط کردن [گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری] به طور واضح حوزه ای است که نیاز به سیاست های بیشتری دارد تا معنا و ارزش گزارشگری مالی و گزارشگری پایداری ارتقا یابد.

-CPA Australia, 2022. The Horizons of Financial Reporting – Part 2

<https://www.cpaaustralia.com.au/-/media/project/cpa/corporate/documents/tools-and-resources/financial-reporting/reporting-research-initiatives/horizons-of-financial-reporting-part-2.pdf>

References

Barth, M. E. (2022). Accounting standards: the ‘too difficult’ box—the next big accounting issue? *Accounting and Business Research*, 52(5), 565–577.

Barckow, A., & Faber, E. (2023, March 23). Connectivity – what is it and what does it deliver? IFRS. [https:// www.ifrs.org/news-and-events/news/2023/03/connectivity-what-is-it-and-what-does-it-deliver/](https://www.ifrs.org/news-and-events/news/2023/03/connectivity-what-is-it-and-what-does-it-deliver/)

Chenhall, R. H., and R. Juchau. “Investor information needs – an Australian study.” *Accounting and Business Research* 7.26 (1977): 111–119.

Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon, B. Potter and R. Subramaniam (2022). The Horizons of Financial Reporting – Part 1 Preparer Perspectives.

Melbourne, CPA Australia. Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2018a). Are financial reports still useful to investors? Decision Usefulness in Financial Reports, CPA Australia. Research report no. 1.

Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2019a). “Is Financial Reporting Still Useful? Australian Evidence.” *Abacus*, 55(1): 237–272.

Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and M. Pinnuck (2018b). Relevance of alternative performance measures and non-financial information for investor decision making in Australia. Decision Usefulness in Financial Reports, CPA Australia. Research report no. 2.

Davern, M., N. Gyles, D. Hanlon and F. Shah (2019b). Implementing AASB 16 Leases: Are Preparers Ready? Melbourne, CPA Australia.

Davern, M., B. Tan and J. Gu (2021). Disclosing Unrecognized Intangibles. [http://hdl.handle . net/11343/273715](http://hdl.handle.net/11343/273715)

Frick, T., B. Potter and M. Davern (2023). Auditors’ Perspectives: The Impact of IFRS Practice Statement 2: Making Materiality Judgments. AASB Research Report Australian Accounting Standards Board.

IASB (2024), “IASB launches comprehensive review of accounting for intangibles ,” <https://www.ifrs.org/news-and-events/news/2024/04/iasb-launches-comprehensive-review-accounting-for-intangibles/ISSB>.

(2023a). IFRS S1 General Requirements for Disclosure of Sustainability-related Financial Information.

ISSB. (2023b). IFRS S2 Climate-related Disclosures.